

نگاهی به فیلم «قلب رقه»؛ | ادای دین به کلیشه‌های سینمایی



شناسه خبر : ۱۳۴۸۵۰ پنجشنبه ۱۹ بهمن ۱۴۰۲ - ۱۸:۰۰

قلب رقه یک بازگشت به عقب در تولید آثار سینمایی با موضوع داعش محسوب می‌شود.

موج خبر-مرتضی رنجبران

قلب رقه یک بازگشت به عقب در تولید آثار سینمایی با موضوع داعش محسوب می‌شود. خیرالله تقیانی‌پور در تولید فیلمی با موضوع داعش ضعیف عملکرد و در تصویرگری مولفه‌های اولیه یک اثر سینمایی ناکام مانده است.

اگر مخاطبان آثار مرتبط با مسئله داعش را در سال‌های اخیر دنبال کرده باشند به آثاری بر می‌خورند که قصه آنها در

روایت کلی خیلی بی ربط با قلب رقه نیست و بازگرداندن یک زن و البته بخشی از اطلاعات برای خنثی سازی عملیات داعش بارها در آثار دیده شده است.

قلب رقه در قصه گویی دچار از هم گسیختگی است تا یک سوم ابتدایی نمی داند باید به دنبال چه باشد. در این فیلم خبری از قهرمان یا ضد قهرمان نیست و رضا با بازی شهرام حقیقت دوست کمتر از مولفه های قهرمان بهره برده است البته از یک وجه خوب است که بازی ها به ورطه اغراق وارد نمی شود. رضا بیشتر در نگاه کارگردان یک بازیگر اکشن بوده که در طراحی های ممکن در صحنه های مختلف حاضر می شود.

از سوی دیگر ابن حسام هیچ شباهتی به ضد قهرمان ندارد. ابن حسام جذابیت و قدرت و توانمندی و نه زیرکی یک ضد قهرمان را ندارد و در رفتار او با ریما و مادرش، هیچ نشانه ای از داعش دیده نمی شود. در عین حال نقش های طراحی شده در این اثر کاملاً کلیشه ای است که از جمله این نقش ها که خیلی هم برای مخاطب معرفی نمی شود شخصیت آقا مرتضی و عباس است.

فیلم از فقدان یک منطق روایی رنج می برد. اثر بیشتر به دلیل دوری از از واقع گرایی در ترسیم وحوشی بنام داعش، شبیه برخی آثار دفاع مقدسی ابتدای دهه 60 شده و در برخی جاها به چنین آثاری طعنه می زند.

داعش قلب رقه یک دشمن احمق و کودن است و جمعی از ایرانیان در همه جای این داعش به طور غیر منطقی و بدون هیچ شک و شبهه ای حضور دارند. در عین حال قصه ملاطفت ابن حسام با زن و مادرش با توجه به مستندسازی های اتفاق افتاده و کلام سردار شهید قاسم سلیمانی درباره ضبح انسان ها و از جمله طفل ها از طریق داعش، به نوعی هجو این گروه تروریستی است تا ارائه تصویری دقیق از آنان.

همچنین کارگردان بیشتر توجه خود را معطوف به صحنه های انفجار و درگیری ها کرده که در نهایت این بخش ها نیز نمره قبولی نمی گیرد.

از همه این موارد که گذر کنیم شاهکار اثر، پایان بندی آن است. در جایی که ابن حسام برای زنده ماندن شیخ تلاش می کند و این در حالی است که او بارها نشان داده که سودای ریاست بر رقه را دارد.

همچنین سکانس مربوط به اتوبوس، دلیل انتقال زندانیان مهم با اتوبوس بدون هیچ اسکورت خاصی مشخص نیست و چرایی گذر از زندانی مهم توسط ابو حسام و رها شدگی او برای مخاطب نامفهوم است.

بازی‌های اثر در مجموع فاقد هرگونه کارگردانی و غیر قابل قبول است و شاهکار این بخش، بازی محمدرضا شریفی نیا در جایگاه عباس است که از کلیشه‌های مرسوم هم کمی عقب‌تر است.

در مجموع مسئله داعش دارای زوایای پنهانی است که معطوف به نجات یا رهاسازی دو گروگان نمی‌شود و متأسفانه این سوژه دستمایه برخی کارهای اخیر سینمایی و تلویزیونی درباره این گروه تروریستی قرار گرفته است. امروز نیاز داریم قصه‌های جذاب‌تری را در این باره برای ساخت فیلم در کنار کارگردانی قابل قبول داشته باشیم و صرف این حجم از بودجه بدون داشتن کمیته کارشناسی مشرف به امور سینمایی، نتیجه‌ای جز هدر رفت بودجه‌ها و در نهایت پخش آثار در تلویزیون ندارد.

انتهای پیام/

انتهای پیام/